



سخنرانی مریم رجوی در سومین روز اجلاس جهانی ایران آزاد ۲۰۲۴

فاجعه حقوق بشر سنگسار شده مردم ایران

۱۱ تیر ۱۴۰۳

هموطنان، مجاهدان آزادی در اشرف ۳، قانون‌گذاران محترم، حقوقدانان، متخصصان ارجمند حقوق بشر، دوستان گرامی!
در سومین روز گردهمایی ایران آزاد گرم‌ترین دروذهای خود را به شهیدان و رزمندگان حقوق بشر برای ایران تقدیم می‌کنیم.
آن‌هایی که هستی خود را نثار می‌کنند و در نظام سرکوب و بی‌عدالتی، سهم و سرنوشت‌شان تخت شکنجه، سلول انفرادی و حلقه‌های دار است و از همه حقوق خود چشم پوشیده‌اند تا حقوق مردم‌شان به دست آید و آن‌هایی که مانند شما به‌رغم همه فشارها و برچسب‌ها و تهدیدها به دفاع از آن‌ها و همه سرکوب‌شدگان برمی‌خیزند.
کلمات درخشان کاظم رجوی شهید بزرگ حقوق بشر از یاد نمی‌رود که گفت: «ما تاریخ حقوق بشر را با خون خود می‌نویسیم».

فقدان حسابرسی بین‌المللی در قبال جنایات آخوندها

سرکوب و اختناق در ایران از بسیاری جهات رکورددار جهان معاصر است. از جمله اسارت و شکنجه حداقل ۵۰۰ هزار نفر، اعدام بیش از صد هزار زندانی سیاسی و شمار بالای اعدام‌های سالانه. به اندازه‌ی که در سال گذشته سه چهارم اعدام‌های ثبت شده در جهان در ایران صورت گرفته است. نبودن هرگونه حسابرسی بین‌المللی درباره این جنایات، دست آخوندها را در خونریزی بی‌محابا در تمام ۴ دهه گذشته باز کرده است.

این است داستان خونین قتل‌عام مردم کردستان، اعدام‌های دهه ۶۰، قتل‌عام ۶۷، کشتار قیام‌کنندگان در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ و سلسله‌یی از عملیات تروریستی و گروگان‌گیری اتباع خارجی.

در حقیقت، نقض حقوق بشر در ایران تحت حاکمیت آخوندها، از ابتدا تا امروز، هیچ‌گاه محدود به برخی تصمیم‌ها و احکام و قوانین رژیم نبوده است. بلکه ماهیت آن عبارت است از: سرکوب سیستماتیک علیه تمام جامعه، در تمام زمان‌ها از طرف تمامیت رژیم.

ابزار رژیم آخوندی برای جنگ با جامعه

سرکوب و کنترل، یک روند دائمی است که در کار مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها، واحدهای تولیدی و اداری، شبکه اینترنت و فضای شهر و روستا حک و عجین شده است. دستگیری‌های روزانه مطابق گزارش‌های رسمی هر سال نیم میلیون نفر است. اما آمار واقعی حداقل دو برابر است.

در دانشگاه‌ها چند نهاد شامل بسیج، کمیته انضباطی، حراست و نمایندگی ولی فقیه، کنترل دانشجویان و تعلیق، اخراج یا دستگیری آن‌ها را انجام می‌دهند.

در کارخانه‌ها از همه طرف کارگران را محاصره کرده‌اند: از جمله:

– وزارت بدنام اطلاعات با اداره حراست،

– سپاه با نیروی بسیج،

– دولت با «شورای اسلامی کار»، «هسته‌های گزینش» و ادارات بازرسی

– و نیروی انتظامی با یگان‌های ویژه.

در واقع سرکوب به‌طور کامل با اشتغال و کسب و کار آمیخته است. ملیت‌های ستم‌زده به‌خصوص هموطنان بلوچ، کرد و عرب به‌طور مضاعف سرکوب می‌شوند. پیروان سایر مذاهب را زندانی می‌کنند و مکان‌های عبادتشان را می‌بندند. محرومانی که به حاشیه شهرها پناه برده‌اند، سرپناه‌شان را پی‌درپی تخریب می‌کنند.

اما سرکوب نهادینه زنان و تعرض وحشیانه به آن‌ها و برقراری یک استبداد دینی، هم تاریخچه و هم سیمای واقعی این رژیم است. ۱۲ وزارت خانه و ۲۰ نهاد امنیتی و سیاسی دست‌اندرکار سرکوب زنان و تحمیل حجاب اجباری‌اند.

هیأت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب اعلام کرد که سرکوب اعتراضات ۱۴۰۱ و تبعیض فراگیر

نهادینه علیه زنان و دختران در بسیاری موارد جنایت علیه بشریت است. هدف، ایجاد رعب و اختناق است، هدف، مقابله با اعتراض و مقاومت زن ایرانی است که البته در مقابلش شکست خورده‌اند. اما سرانجام نظام ولایت فقیه، با پیشتازی زنان مجاهد و مبارز سرنگون خواهد شد.

قانون مجازات‌های جزایی در این رژیم، سند جامع نقض حقوق بشر است. به‌عنوان‌های این مجازات‌ها گوش کنید:

سنگسار، به صلیب کشیدن، از کوه پرت کردن، دست و پا قطع کردن و چشم درآوردن. مجازات اعدام برای ده‌ها جرم و مجازات شلاق برای ده‌ها جرم دیگر. همین‌طور قانون مطبوعات، قانون احزاب، قانون انتخابات، قانون صیانت از فضای مجازی، قانون عفاف و حجاب و یک لیست طولانی دیگر. این‌ها ابزارهای رژیم در جنگ با مردمی است که عزم سرنگونی رژیم جنایتکار آخوندی را دارند که البته این روز در راه است. کثرت نهادهای رسمی سرکوب در ایران سرسام‌آور است. با این‌همه بسیاری مؤسسات دولتی و غیردولتی دیگر هم، بخشی از نظام سرکوب هستند. از رادیو تلویزیون حکومتی تا مساجد تحت کنترل بسیج یا بنگاه‌های به‌اصطلاح خیریه خامنه‌ای و مشخصاً قضاییه این رژیم که دستگاه اختناق و کشتار است.

حقوق بشر و آزادی در برابر هیولای استبداد

برای ما و مردم ما، حقوق بشر، آزادی و انتخاب آزادانه، از پرنسیب‌های اساسی است. بعد از به‌قدرت رسیدن خمینی، مجاهدین به مدت ۲۸ ماه، شهادت ده‌ها تن از یاران‌شان را تحمل کردند، و در مقابل اسارت هزاران نفر از هواداران‌شان خویشتنداری نشان دادند، تا بتوانند هرچقدر که ممکن است به فعالیت سیاسی و مسالمت‌آمیز ادامه دهند.

اما هیولای استبداد که از یک قطره حقوق بشر یا یک نسیم آزادی احساس مرگ می‌کند، همه چیز را فرو بلعید. بربریت حاکم، جامعه مدنی را به‌نابودی کشانده و امکان هر فعالیتی در این چارچوب را از مردم گرفته است.

تشکیل حزب سیاسی مخالف و هرگونه تشکل کارگری و کارمندی ممنوع است. از کانون وکلا تا

نظام پزشکی تا باشگاه‌های ورزشی همه تحت سلطه سپاه یا اطلاعات بدنام هستند. تشکیل اتحادیه یا تشکل‌های مستقل از سوی معلمان جرم است. فیلم‌سازی به این شرط مجاز است که وابسته به نهادهای رژیم باشد. فعالیت مدافعان محیط زیست سرکوب می‌شود. نتیجه این که از کارگران و معلمان تا خبرنگاران، هنرمندان، پزشکان، دانشجویان و ورزشکاران، همگی در زندان بزرگ خامنه‌ای، در اسارت‌اند. برای همین است که چاره کار را در سرنگونی این رژیم پیدا کرده‌اند. و سرانجام به این هدف بزرگ دست پیدا می‌کنند.

طرف‌هایی که این حق مشروع و عادلانه را با برچسب خشونت‌طلبی هدف قرار می‌دهند، خواسته یا ناخواسته، اولاً اختناق وحشی حاکم را از نظرها دور یا کم‌بار می‌کنند، ثانیاً، خواست مردم ایران برای سرنگونی رژیم را تخطئه می‌کنند.

در قیام ۴۰۱ پاسداران رژیم، دختران نوجوان و جوان را مورد تعرض قرار دادند یا با تیرهای ساچمه‌یی، چشم‌های تظاهرکنندگان را نابینا کردند، اگر چه آن‌ها با شجاعت می‌گفتند چه باک! ما در راه آزادی چشم‌مان را داده‌ایم.

به آخوندهای جنایتکار می‌گوییم: بله این دست‌هایی که می‌شکنید این چشم‌هایی که نابینا می‌کنید و خون‌هایی که می‌ریزید هرگز محو و فراموش نمی‌شود. این رنج‌ها و خون‌ها و این خاطره‌های تلخ اما سرخ و گرم در این چهار دهه، از حافظه تاریخ ایران و مردم ایران پاک نمی‌شود، بلکه سرچشمه قیام‌ها و نسل‌های شورشگری است که رژیم‌تان را سرنگون می‌کند.

قتل عام مستمر در همه عرصه‌ها

راستی چه بیانی، چه توصیفی، چه کلامی می‌تواند فاجعه حقوق بشر سنگسار شده مردم ایران را بیان کند. الا این که بگوییم یک قتل عام مستمر در همه عرصه‌ها.

قتل عام جامعه مدنی، قتل عام محیط زیست، قتل عام معیشت و تولید، قتل عام دانش و اخلاق و فرهنگ و کلمات و البته کلمه آزادی.

نمونه جامع در این خصوص که قلب و ضمیر و عاطفه ایرانیان پیوسته از آن مجروح و دردمند است، قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی است که ۹۰ درصد آن‌ها از مجاهدین‌اند. آن‌ها که نه فهرست تمامی نام‌هایشان پیداست، نه نشانی مزارهایشان.

در نمایش انتخابات ریاست جمهوری رژیم یکی از کاندیداها که از جلادان قتل عام و عضو هیأت

مرگ در تهران بود، اعتراف کرد که در قتل عام ۶۷ سی هیأت مرگ وجود داشته و هر هیأت شامل سه الی پنج نفر بوده است.

این اعتراف روشنی به گستردگی فاجعه کشتار است. اگر چه پنج سال پیش از این، مقاومت ایران در کتاب جنایت علیه بشریت برای نخستین بار اسامی اعضای ۳۵ هیأت مرگ را افشا کرده بود. هم‌چنین برخلاف ادعای همدستان رژیم که اعدام را کار عکس‌العملی خمینی در قبال فروغ‌جاویدان معرفی می‌کنند، پورمحمدی گفت که این قتل عام «پروژه جمهوری اسلامی بوده است» و افزود: ما از (زندانی) می‌خواستیم که فقط بگو اگر الان مسعود رجوی در تهران بود و در زندان را باز می‌کرد آیا (در کنار او علیه ما) می‌جنگیدی؟ و او می‌گفت: آری می‌جنگیدم. و با همین کلمه اعدام می‌شد.

ده روز پیش گزارشگر ملل متحد ویژه حقوق بشر در گزارش جدیدی، قتل عام ۶۷ و اعدام زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ را جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی و حتی نسل‌کشی، اعلام کرد این گزارش، گام ضروری و شایسته‌یی است که ملل متحد در همان سال ۶۷ از آن فروگذار کرد. در آن برهه هولناک، در حالی که سه هفته از شروع قتل عام گذشته بود و در حالی که کشتار هنوز در زندان‌ها جریان داشت، مسعود در ۴ شهریور ۱۳۶۷ در تلگرامی به دبیرکل وقت ملل متحد برای نخستین بار از حکم خمینی که «به خط خودش دستور اعدام زندانیان سیاسی و مجاهد خلق را صادر کرده»، پرده برداشت.

حالا ۳۶ سال بعد داستان ادامه دارد.

رژیم به محاکمه غیابی مسعود و بیش از ۱۰۰ تن دیگر از یارانش در مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران روی آورده و تاکنون ۱۴ جلسه آن را با نمایش‌های مبتذل و شاهدانی از دستگاه شکنجه و کشتار رژیم مانند دختر لاجوردی، جلاد اوین برگزار کرده است که همگی اعدام و مثله کردن مجاهدین را طلب می‌کنند.

اراده مقاومت برای ساختن یک جامعه متفاوت

نه قساوت‌های رژیم آخوندی، نه درد و رنج مردم ما، هیچ‌کدام قابل شمردن نیست. با این‌همه ایران امروز، نه با این سرکوب‌ها بلکه با یک مقاومت جوشان و اعتراض‌های دلیرانه مردم شناخته می‌شود.

این درجه از دشمنی با انسانیت، واکنش رژیم به یک قدرت شورشی توفنده است که در سال‌های اخیر بارها به صورت قیام‌های بزرگ جاری شده‌است. این مقاومتی است خروشان که در زندان‌های رژیم آخوندی جریان دارد.

زندانیان سیاسی و مجاهد در زندان‌های رژیم آخوندی، نامه‌یی به گردهمایی ایران آزاد نوشته‌اند: ما ادامه‌دهندگان ۳۰هزار گل‌سرخ قتلعام شده سرموضع در تابستان ۶۷ هستیم. ولی ما عهد کرده‌ایم که هرگز تسلیم نشویم. هرگز. آن‌ها تاکید کرده‌اند: در مقابل این رژیم، هیچ راهی جز نبرد و مقاومت وجود ندارد. برای آزادی باید جنگید و قیمت آن را داد. درود بر زندانیان سیاسی در سراسر ایران.

آخوندها دائماً در تلاش برای انداختن ترس بر جامعه‌اند، اما بیشترین ترس بر اردوی خودشان حاکم است. مطابق ارزیابی شورای ملی مقاومت [۱] از قیام ۹۶ به بعد مردم ما سالانه بیش از ۶۵۰۰ حرکت اعتراضی انجام داده‌اند.

معنای این مقاومت جوشان این است که آخوندها اگر فقط یک روز از سرکوب دست بردارند، سرنگون می‌شوند. ولی آن چه مسلم است، سرکوب و استبداد خشن آخوندها به طور قطع مغلوب جنبش مقاومت و قیام سازمان‌یافته و ارتش بزرگ آزادی ایران خواهد شد.

این اراده مقاومت آمیخته است با تعهدی محکم برای ساختن یک جامعه متفاوت. مقاومتی که چهار دهه است هدف اصلی دار و تیرباران و شکنجه است، اما پرچم لغو حکم اعدام را برافراشته است و ایران را از زنجیر نظام شکنجه و اعدام رها می‌کند و به یک جمهوری براساس آزادی و دموکراسی و برابری و حقوق بشر دگرگون می‌کند.

بگذارید در این جا از سوی مردم و مقاومت ایران خطاب به ملل متحد و کشورهای عضو تاکید کنم: ۱- به مصونیت جانین حاکم بر ایران پایان دهید. خامنه‌ای، رئیس قضاییه و سرکردگان سپاه، بزرگترین مرتکبان جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی در تاریخ معاصرند. آن‌ها را در یک دادگاه بین‌المللی در برابر عدالت قرار دهید.

۲- عوامل و مزدوران این رژیم را از کشورهایتان اخراج کنید.

۳- مشروعیت مقاومت عادلانه مردم ایران برای آزادی و مبارزه جوانان و کانون‌های شورشی برای سرنگونی این رژیم را به رسمیت بشناسید.

۴- مامشات با رژیم آخوندها و قربانی کردن حقوق بشر و مقاومت ایران را بس کنید، و بیش از این

به هیولای سرکوب و جنگ‌افروزی میدان ندهید و ادامه روابط با این رژیم را به توقف اعدام و شکنجه در ایران مشروط کنید.

مردم ایران و پیشتازان آنها استبداد دینی را سرنگون و به آزادی و دموکراسی دست پیدا می‌کنند و این روز دور نیست.

[۱] - شورای ملی مقاومت ایران، بیانیه سالانه، ۱۴۰۲